تحلیل گونه‌های مختلف بینامتنی قرآن و میراث ادب عربی در «ملحمة کربلاء» سرودهٔ سعید العسیلی

سید مهدی نوری کیذقانی[۱]

چکیده

وظیفهٔ اصلی بررسی‌های بینامتنی کشف لایه‌های آشکار و پنهانی است که در شکل‌گیری یک اثـر ادبی تأثیر داشته‌اند و شاعر یا ادیب در غنی‌ساختن اثر خود از آن‌ها سود جسته است. منظومهٔ «کربلاء» سرودهٔ شاعر معاصر لبنانی «سعید العسیلی» از جمله حماسه‌های مهم و درخور توجه ادبیات معاصر عربی به شمار می‌رود. عسیلی در سرایش این منظومه که بالغ بر ۶۰۰۰ بیت می‌باشـد از آبشـخورهای متنـوع فکری، ادبی و تاریخی بهره برده است. مقالهٔ حاضر می‌کوشد بـه روش توصـیفی-تحلیلـی و از طریـق بررسی بینامتنی مهم‌ترین عناصری را که در ساختار یا مفاهیم شعری ایـن منظومـه مـؤثر بـوده، مـورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ در یک نگاه کلی می‌توان گفت این منظومه حماسی با قرآن، نهـج البلاغـه، اشعار شاعران کلاسیک و معاصر عربی و امثال و حکم مشهور، روابط بینامتنی دارد و این روابط در هـر سه صورت «اجترار»، «امتصاص» و «حوار» جلوه‌گر شده است که نشان از گسترهٔ معلومات ادبی شاعر و مهارت شعری وی دارد.

واژگان کلیدی: حماسهٔ «کربلاء»، العسیلی، انواع بینامتنی، بررسی و تحلیل.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری sm.nori@hsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

حادثهٔ عاشورا و شهادت جان‌سوز امام حسین علیه‌السلام یکی از اثرگذارترین حادثه‌هایی است که در تمامی گستره‌ها مشتاقان را به اظهار ارادت واداشته است. در این میان، حوزهٔ ادبیات نیز به نوبهٔ خود از این دریای بیکران توشه‌ها برداشته و بهره‌ها برده است و شعرا و ادبا-از هر زبان و مذهبی- در طول تاریخ به فراخور هنر و ادب و توانایی خود، به امام حسین علیه‌السلام اظهار ارادت نموده‌اند. در ادبیات عرب، خوارزمی اولین شعر حسینی را به عقبهٔ بن عمر السهمی- که از شاعران سدهٔ اوّل هجری است- نسبت می‌دهد. (خزعلی، ۱۳۸۳: ۶۷)

«ملحمة کربلاء» عنوان منظومه‌ای ادبی، تاریخی، اسلامی و حماسی است که توسط شاعر معاصر لبنانی سعید العسیلی سروده شده و در سال ۱۹۸۶ در بیش از ۶۰۰ صفحه به چاپ رسید. این منظومه تاریخ زندگانی امام حسین علیه‌السلام را از و لادت تا شهادت به صورت سلسله‌وار و با سبکی ادبی و آمیخته با صور خیال و آرایه‌های بدیعی به تصویر می‌کشد.

عسیلی (۱۹۲۹-۱۹۹۴) سرایندهٔ این منظومه از شاعران معاصر جبل عامل لبنان است که پس از بازنشستگی از شغل نظامی، افزون بر تحقیق در منابع اسلامی، به صورت جدی به سرایش ملاحم دینی تاریخی پرداخت و در مورد اهل بیت علیهم‌السلام چهار حماسهٔ ارزنده و حجیم پدید آورد که منظومهٔ مورد بحث ما چهارمین این ملاحم است. (درباره زندگی و آثار او بنگرید به: العُسیلی، ۱۹۸۲: ۱۵-۲۱؛ العسیلی، ۱۹۹۳: ۵-۱۸؛ الموقع الرسمی لبلدیهٔ رشاف، ذیل عنوان الحاج سعید العسیلی. (http://www.rshaf.net

بازگشت به متون سنتی گذشته و به‌کارگیری آن در شعر عربی، امری رایج است. علمای بلاغت نام‌هایی مختلف مثل اقتباس، تضمین، اخذ و تأثر به این پدیده داده‌اند. شاعران معاصر عرب هم از این میراث جدا نگشته‌اند؛ چرا که آن را در شکل‌گیری فرهنگ، ژرفا بخشیدن دیدگاه‌هایشان و پربار ساختن تجربه‌های نوآورانه و تکامل بخشیدن به آن اثرگذار می‌دانسته‌اند. (ضاوی، ۱۳۸۴: ۱۷۴)

از این رویکرد در مطالعات زبان‌شناسی جدید به بینامتنیت تعبیر می‌گردد که در این مقاله به تحلیل گونه‌های مختلف قرآنی و میراث‌های برجا مانده از ادب عربی در «ملحمة الحسین» سرودهٔ سعید العسیلی پرداخته می‌شود.

www.SID.ir

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینهٔ تحقیق

در مورد سعید العسیلی و حماسهٔ «کربلاء» پژوهش‌هایی انجام شده است؛ اما در بررسی و جست‌وجویی که نگارنده داشت در مورد روابط بینامتنی این اثر هیچ پژوهشی انجام نشده است. در ادامه به پژوهش‌های غیربینامتنی که در مورد حماسه «کربلاء» انجام شده اشاره می‌گردد:

۱. «بررسی ادبی و هنری ملحمهٔ کربلاء اثر سعید العسیلی»، سید مهدی نوری کیذقانی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه تهران: ۱۳۸۶.

۲. «نگاهی به عناصر ادبی در منظومهٔ حماسی کربلاء اثر سعید العسیلی»، عبد الحسین فقهی و سید مهدی نوری کیذقانی، مجله ادب عربی دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

۳. کتاب امام حسین علیه‌السلام در شعر معاصر عربی، اثر دکتر خزعلی که در ضمن بحث از ملاحم حسینی، به این ملحمة نیز پرداخته است.

۴. «بررسی محتوایی و بلاغی شعر قصصی حسینی (ملحمة کربلاء) سعید العسیلی در فضایل و رثای حضرت عباس علیه‌السلام»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه، محمدرضا شهبازی، ۱۳۹۴.

۵. بررسی و تحلیل عناصر حماسی در ملحمة کربلا با تکیه بر ویژگی‌های حماسی شاهنامه، سید مهدی نوری کیذقانی، نشریهٔ ادبیات تطبیقی، بهار و تابسان ۱۳۹۵.

۶. کارکرد صنایع بدیعی در حماسهٔ «کربلا» سرودهٔ سعید العسیلی، سید مهدی نوری کیذقانی، نخستین همایش ملی پژوهش‌های شعر معاصر عربی، تبریز، ۱۳۹۷.

در مورد بینامتنیت به صورت عام مقالات و پژوهش فراوان نگاشته شده است؛ از جمله

۷. نقد و برسی وام‌گیری قرآنی در شعر احمد مطر، یحیی معروف، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی، شمارهٔ ۴، بهار ۱۳۹۰.

۸. بینامتنی قرآن و نهج البلاغه با لامیهٔ ابن وردی، علی صیادانی و نادر محمدی، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، شمارهٔ ۷، پاییز ۱۳۹۳.

۹. بینامتنیت قرآنی در صحیفهٔ سجادیه، عباس اقبالی و فاطمه حسن‌خانی، فصلنامهٔ ادبیات دینی، شمارهٔ ۱، ۱۳۹۱.

www.SID.ir

Archive of SID

۱-۲. روش پژوهش

در مقالهٔ حاضر سعی بر آن است که به روش تحلیل متن، گونه‌های مختلف روابط بینامتنی میان منظومهٔ حماسی «کربلاء» و مهم‌ترین میراث ادب عربی؛ یعنی قرآن، نهج البلاغه، شعر شاعران بزرگ ادب عربی و امثال و حکم، ارزیابی و تبیین شود.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

۱- آیا رویکرد بینامتنی قرآن و میراث ادب عربی در حماسهٔ کربلا (ملحمة کربلاء) قابل پی‌گیری و بررسی است؟

۲- کدام دسته از گونه‌های بینامتنیت در این رویکرد خودنمایی می‌کند؟

۳- جستجوی این بینامتنیت خاص چه دستاوردهایی به دنبال دارد؟

اثرپذیری شاعر از متون یادشده در چه سطح و ترکیبی است؟

۲. بینامتنیت[1] (تناص)

بینامتنیت یک اصطلاح نقدی است که در اواخر دههٔ ۶۰ میلادی توسط «ژولیا کریستوا» منتقد ادبی و رمان نویس فرانسوی و با استنباط از آثار میخاییل باختین (۱۸۹۵-۱۹۷۵) به عرصهٔ نقد وارد شد (احمدی، ۱۳۷۸: ۶۲۶). «کریستوا» متون گوناگون را در حال گفتگو با یکدیگر می‌دانست و یک متن را مجموعه‌ای از نقل قول‌ها و اندیشه‌ها و شکل تحول یافتهٔ دیگر متون به شمار می‌آورد. (عزام، ۲۰۰۱: ۳۶) این تعبیر از بینامتنی که بر اساس آن هر متنی از متون دیگر گرفته شده و متأثر است دو اصطلاح «متن حاضر» و «متن غایب» را وارد مباحث بینامتنی نمود. متن موجود را متن حاضر و متن‌هایی را که با متن موجود تعامل دارند متن غایب می‌نامند؛ و انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن موجود «روابط بینامتنی» نام دارد.

حضور متن غایب در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن با عنوان قواعد سه‌گانهٔ بینامتنی یاد می‌شود: قانون «نفی جزیی یا اجترار»، قانون «نفی متوازی یا امتصاص» و قانون «نفی کلی یا حوار»؛ در اجترار متن حاضر ادامهٔ متن غایب است و آن را به صورت تقلیدی و بدون تغییر تکرار می‌کند. در امتصاص متن غایب مورد پذیرش قرار می‌گیرد و به آن ارج نهاده می‌شود و تلاش می‌گردد به گونه‌ای بازآفرینی شود که اصل و جوهره آن دگرگون نشود و خواننده می‌فهمد متن حاضر برگرفته از متن غایب است. در حوار شاعر یا مؤلف متن غایب را درهم می‌ریزد و مفاهیمش را دگرگون می‌کند

1. Intertextuality

www.SID.ir

و آن را از حالت اولیه خارج می‌سازد که این بالاترین و ارزنده‌ترین مراتب تناص است؛ به عبارت دیگر در حوار رنگ تقلید از میان می‌رود. (موسی: ۲۰۰۰: ۵۶)

۲-۱. گونه‌های مختلف بینامتنی در منظومهٔ کربلا (ملحمة کربلاء)

۲-۱-۱. بینامتنی با قرآن

شکی نیست که قرآن و متون دینی نزد بسیاری از شاعران مرجع اصلی الهام شعری است؛ بنابراین اولین منبع الهام بخش شاعران از دیرباز تاکنون و در آینده قرآن کریم است. (معروف، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

یکی از متونی که جلوه‌ای فراوان در منظومهٔ کربلا دارد، قرآن مجید است. اثرپذیری عسیلی از قرآن به گونه‌هایی مختلف جلوه‌گر شده است که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱-۱. اجترار: آوردن قسمتی از آیات با همان الفاظ در همان معنای مقصود

۱. متن حاضر:

وَ مُحَمَّدٌ مَا كَانَ يَنْطِقُ عَنْ هَوَى بَلْ إِنَّهُ وَحْيٌ أَتَاهُ جَهَارًا

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۳)

«محمد از سر هوس سخن نمی‌گوید، بلکه سخن او وحی‌ای است که آشکارا به او می‌رسد.»

متن غایب: «وَمَا يَنْطِقُ عَنْ هَوَى، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (نجم/ ۳-۴)؛ و از سر هوس سخن نمی‌گوید، این سخن به‌جز وحی‌ای که وحی می‌شود، نیست.»

۲. متن حاضر:

وَ تَخَافُهُ خَوْفَ الْيَقِينِ وَ إِنَّمَا يَخْشَاهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَّامُ

(همان، ۴۹)

«و از روی یقین از او بیم دارد، به راستی که تنها بندگان دانا از خداوند بیم دارند.»

متن غایب: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/۲۸)؛ «از بندگان خدا تنها دانایان هستند که از او می‌ترسند.»

در هر دو نمونهٔ بالا عسیلی به طور مستقیم قسمتی از آیهٔ قرآن را با همان ساختار و در همان معنا در شعر خود آورده است. البته در نمونهٔ دوم اندک تغییری در الفاظ ایجاد شده است؛ اما این تغییر آن‌قدر نیست که بینامتنی را از دایرهٔ نفی جزیی یا «اجترار» خارج نماید.

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۱-۱-۲. امتصاص: آوردن آیات با تغییر در الفاظ

۱. متن حاضر:

يُسْـقَوْنَ كَاسَـاتِ الرَّحِيـقِ وَ سَـعْيُهُمْ عِنْـدَ الْمُهَـيْمِن بِـالتُقَى مَشْـكُورُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۶)

«از بادهٔ ناب نوشانده می‌شوند و تلاش و تقوای آن‌ها نزد خداوند مشکور است.»

متن‌های غایب: «يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ» (مطففین/۲۵)؛ «از باده‌ای مهرشده نوشـانیده شـوند» «وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» (انسان/۲۲)؛ «و کوشش شما مقبول افتاده است»

ملاحظه می‌شود در این جا عسیلی از دو آیه قرآن بهره برده است؛ یعنی دو آیه از دو سورهٔ مختلف را باهم ترکیب نموده تا بتواند غرض و مفهوم خود را بیان نماید و این نمونه نسبت به موارد قبلی صبغهٔ ادبی و هنری بیش‌تر دارد و در دایرهٔ نفی متوازی یا «امتصاص» قرار می‌گیرد.

۲-۱-۱-۳. حوار: وام‌گیری آیات در غیر معنای قرآنی

گونه ای دیگر از وام‌گیری هست که سطح و ساختار آن در شعر از وام‌گیری‌های مـألوف متفـاوت است. به گونه ای که «شاعر معنای آیه را می‌گیرد و از آن در متن شعری بهره می‌برد؛ این شیوه را مـی توان اثرپذیری نامید.» (ضاوی، ۱۳۸۴: ۱۷۹)

گاه عسیلی الفاظ و واژه‌های قرآنی را به وام می‌گیرد تا حالتی را توصیف یا صحنه‌ای را بیان کنـد، برای مثال می‌گوید کسانی که سعی در پنهان‌ساختن نور اهل بیت علیهم‌السلام داشتند، ناکام گشـتند و خـود را خسته ساختند؛ وی در مصراع دوم برای بیان درماندگی و ناکامی ایشان، چنین از قرآن وام می‌گیرد:

متن حاضر:

فتَحَطَّمَـتْ أَقْلَامُهُـمْ وَ أَنُـوفُهُمْ وَارْتَـدَّ عَنْـهُ الطَّـرْفُ وَ هُـوَ حَسِـيرُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۸)

«پس قلم و بینی‌های آن‌ها درهم شکست وچشم از دیدن آن خسته و درمانده بازگشت.»

متن غایب

آن‌چه این نوع وام‌گیری را از دیگر نمونه ها متمایز می‌کند نخست استفاده از الفاظ قـرآن در غیـر معانی آن‌ها است و دیگری ترکیب ماهرانهٔ دو آیه از دو سورهٔ متفاوت برای بیان مقصود خـود اسـت؛ زیرا مصراع دوم هم‌زمان ذهن را به آیهٔ ۴۰ سورهٔ نمل: «قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُك»؛ «پـیش از آن‌کـه

www.SID.ir

چشم خود را بر هم زنی» و آیهٔ ۴ سورهٔ ملک «يَنْقَلِبْ إِلَيْکَ الْبَصَرُ خَاسِئاً وَ هُوَ حَسِيرٌ»؛ «نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد» می‌برد.

نمونه‌ای دیگر از این نوع وام‌گیری بیت زیر است:

متن حاضر:

وَلَوِ الْجِبَالُ رَأَتْ مُصِيبَةَ زَيْنَبَ لَتَصَدَّعَتْ مِمَّا رَأَتْهُ زَيْنَبُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۵۳۲)

«اگر کوه‌ها مصیبت زینب را می‌دیدند، از دیدن آن‌چه زینب دید، خرد می‌شدند و درهم می‌شکستند.»

متن غایب: شاعر برای بیان عظمت اندوه و رنجی که به حضرت زینب علیها السلام رسیده از تصویر سازی قرآن در آیهٔ ۲۱ سورهٔ حشر بهره برده است: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»؛ «اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم، به یقین آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می‌دیدی.»

در این‌جا علاوه بر اثرپذیری از قرآن، استفاده از آرایهٔ «تشخیص» و تکرار بلاغی واژهٔ زینب به شیوه «ردّ العَجُز إلی الصَدر» بر زیبایی بیت افزوده است.

۲-۱-۲. نهج البلاغه

پس از قرآن کریم، نهج‌البلاغه از مهم‌ترین متون ادب عربی و میراث گرانبهای فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید. از هنگامی که شریف رضی در قرن پنجم به گردآوری خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های ناب و بلیغ امام علی علیه السلام اقدام کرد و رهاورد تلاش خود را در مجموعه ای به نام نهج‌البلاغه ارایه نمود، ادبا، شاعران و اندیشمندان فراوان در گسترهٔ تاریخ تحت تأثیر این گنجینهٔ سترگ قرار گرفته‌اند. «اقبال شاعران صاحب‌نامی چون متنبی، ابوتمام، بحتری، بشار، ابونواس، صالح بن عبدالقدوس، ابوالعتاهیه، فرزدق، ابوالفتح بستی، ابن ابی‌الحدید، ابوالعلاء مَعری، شریف مرتضی، شریف رضی، طغرایی، ابن درید، ابوفراس و دیگر شاعران به الفاظ و مضامین نهج البلاغه بر هیچ صاحب‌نظری پوشیده نیست.» (امینی، ۱۳۹۲: ۸-۹)

با سیری در منظومهٔ کربلا درمی‌یابیم مفاهیم و نیز سبک نهج البلاغه در ناخودآگاه شاعر اثر گذاشته و در ابیاتی متعدد از او تجلی یافته است. در زیر به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

۱. متن حاضر:

أَمَّاهُ! مَنْ هَجَرَ الدِّيَارَ فَإِنَّهُ لَيْسَ الْغَرِيبَ وَ لَوْ رَأَي أَغْرَابَا

www.SID.ir

Archive of SID

إِنَّ الْغَرِيبَ مَنِ اسْتَكَانَ لِذِلَّةٍ فِي قَوْمِهِ أَوْ فَارَقَ الْأَحْبَابَا

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۱۳۳)

«ای مادر، هر که ترک دیار کند غریب نیست؛ بلکه غریب کسی است که در میان قوم خویش خوار گردد یا از دوستانش جدا شود.»

متن غایب: «فَقْدُ الْأَحِبَّةِ غُرْبَةٌ»؛ «از دست دادن دوستان تنهایی است.» (شیروانی، ۱۳۸۷: ۵۶۹)

با کنار هم قرار دادن دو متن، ملاحظه می‌شود که در بیت دوم شاعر متأثر از سخن امام علی علیه‌السلام است که شاعر آن را تفصیل داده و به صورت ادبی و احساسی در ماجرای «نجوای امام حسین علیه‌السلام با حضرت زهرا علیهاالسلام» آورده است. این نوع تأثیر را می‌توان از نوع «حوار» برشمرد.

۲. متن حاضر: شاعر از زبان امام سجاد علیه‌السلام یزید را چنین خطاب می‌کند:

وَ بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظَّلَامِ وَ نَحْنُ مَنْ جَعَلَ الْعَسِيرَ عَلَى الْأَنَامِ يَسِيرَا

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۵۷۴)

«و به واسطهٔ ما در تاریکی هدایت شدید و ما کسانی هستیم که سختی‌ها را بر مردمان آسان می‌کنیم.»

مصراع اول برگرفته از سخن امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه است: «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلَمَاءِ»؛ «شما مردم به وسیلهٔ ما در تاریکی‌های گمراهی هدایت یافتید.» (شیروانی، ۱۳۸۷: ۵۰) شاعر در جای دیگر از همین جمله امام استفاده کرده و آن را از زبان حضرت زینب علیهاالسلام چنین آورده است:

وَ بِجَدِّهِ وَ بِهِ اهْتَدَيْتُمْ مِنْ دُجَى لَيْلٍ عَلَيْهِ مِنَ الضَّلَالِ مُغِيبُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۵۷۰)

«و به واسطهٔ جد حضرت و خود ایشان هدایت شدید در تاریکی شبی که پرده‌ای از گمراهی بر آن بود.»

در این نمونه‌ها شاعر تغییر چندانی در عبارت و سبک امام ایجاد نکرده و تناص میان دو متن چندان پوشیده نیست؛ لذا بینامتنی از نوع «امتصاص» است.

۳. متن حاضر: شاعر از ادامهٔ سخن امام علیه‌السلام در همین خطبه، یعنی جملهٔ «وَ تَسَنَّمْتُمْ ذُرْوَةَ الْعُلْيَاءِ»؛ «و به قلهٔ فضیلت رسیدید.» (شیروانی، ۱۳۸۷: ۵۰) نیز بهره برده است:

بَذَلُوا الْوُعُودَ خَدِيعَةً وَ كَأَنَّهَا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَ طَيْفُ مَنَامِ

وَتَسَنَّمُوا عَلْيَاءَ كُلِّ نَذَالَةٍ حَتَّى غَدَوْا فِيهَا بِشَرِّ مَقَامِ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۲۳)

www.SID.ir

«از روی نیرنگ وعده‌هایی دادند که چون کابوس و خوابی آشفته بود. و بر پشت هر پستی سوار شدند تا آن‌جا که در بدترین مکان پستی جای گرفتند.»

تفاوت این نمونه با نمونه قبلی آن است که شاعر جملهٔ امام علیه‌السلام را که بار مثبت داشته در مفهوم منفی (سوار شدن بر بلندای پستی‌ها) به کار برده است و در کاربست اولیهٔ عبارت حضرت تصرف کرده است.

۴. متن حاضر:

مَا كَانَ رَبُّ الْخَلْقِ يَتْرُكُ خَلْقَهُ نَهْبَ الضِّيَاعِ وَ جَهْلُهُمْ يَتَعَاظَمُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۶۸)

«پروردگار خلق آن‌ها را در معرض نابودی و با جهلی رو به فزونی رها نکرده است.»

متن غایب: این مفهوم در سخنان گهربار امام علی علیه‌السلام آمده است: «وَاعْلَمُوا عَبَادَ اللَّهِ، أَنَّهُ لَمْ يُخْلِقْكُمْ عَبَثاً وَ لَمْ يُرْسِلْكُمْ هَمَلاً»؛ «بندگان خدا بدانید که خداوند شما را بیهوده نیافرید و شما را به خود وانهاد.» (شیروانی، ۱۳۸۷: ۳۶۹) البته خود امام علیه‌السلام نیز این مفهوم را از قرآن کریم به وام گرفته: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلاً» (آل عمران/۱۹۱)؛ «پروردگارا، این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای» «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثاً» (مؤمنون/۱۱۵)؛ «آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم»؛ اما عبارت عسیلی «ما...یترک خلقَه نهب الضیاع» با فرمودهٔ امام علیه‌السلام «و لم یُرسلکم هملاً» تشابهی بیش‌تر دارد.

۲-۱-۳. بینامتنی با شعر شاعران

پس از قرآن کریم و نهج‌البلاغه، شعر عربی گنجینه‌ای مهم از فرهنگ و حکمت و آیینهٔ اندیشه و میراث انسانی و اسلامی است. برای همین است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود «إِنَّ مِنَ الشِّعْرِ لَحِكْمَةً» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۷۹/۴)، «همانا برخی از اشعار حکمت است.» و شعر دیوان العرب نام گرفته است. اثرپذیری شعر معاصر عربی از اشعار معروف شاعران بزرگ عربی در سده‌های قبل و دوران معاصر یکی از موضوعات مهم بررسی‌های بینامتنی می‌باشد.

شعر سنتی عربی به چند شکل در شعر معاصر نمود دارد:

«۱. به کار گیری متن شعری، بدون تغییر؛ ۲. به کار گیری متن شعری با تغییر اندک در برخی واژگان یا تغییر جای آن‌ها؛ ۳. برگرفتن معنای شعر و ساخت دوبارهٔ آن به زبان شاعر» (ضاوی، ۱۳۸۴: ۲۰۲)

با توجه به علاقه‌ای که عسیلی به خواندن اشعار دیگر شاعران خاصه شاعران آیینی داشته طبیعی است که گاه در لفظ یا معنا از اشعار مشهور شاعران معاصر یا کهن بهره ببرد. با مطالعه دقیق حماسه

www.SID.ir

Archive of SID

«کربلاء» شاهد نمونه‌هایی مختلف از روابط بینامتنی میان این منظومه و اشعار قدیم و معاصر ادب عربی هستیم که در ادامه به ذکر انواع و نمونه‌های آن خواهیم پرداخت.

۲-۱-۳-۱. نوع اول

در این نوع، بیت یا مصراعی بی هیچ کم و کاست در شعر جدید قرار می‌گیرد. به این شعر از «ادونیس» بنگرید:

«هَدَأَت صیحةُ الرُجُوع/ غیر أنَّ الصواري وَطَنٌ للدُموع/ و لو آنها عَقَلت إذن لبَکَت/ ماءَ الفرات و مَنبتَ النَخلِ/ هَدَأت صَیحةُ الرُجُوع.»، «بانگ بازگشت آرام گرفت. اما چاه‌های آب جایگاه اشک‌ها است/ و اگر دارای فکر و اندیشه بودند، حتماً می‌نگریستند/ آب فرات و رستنگاه نخل/ بانگ بازگشت، آرام گرفت.» در این جا شاعر بیت «عبدالرحمن داخل» را عیناً در شعر خود گنجانده است:

وَ لَوْ أَنَّهَا عَقَلَتْ إِذَنْ لَبَکَتْ مَاءَ الْفُرَاتِ وَ مَنْبَتَ النَّخْلِ

(ضاوی، ۱۳۸۴: ۲۰۴)

«اگر آن‌ها عقل می‌داشتند بر آب گوارا و نخلستان می‌گریستند.»

ما در بررسی منظومهٔ کربلا و جستار در آن به نمونه‌ای از این دست که شاعر همان بیت یا مقطعی مستقل، از شاعر دیگر را در اثر خود بیاورد دست نیافتیم.

۲-۱-۳-۲. اجترار

با مطالعهٔ منظومهٔ کربلا به مواردی متعدد از این نوع وام‌گیری برمی‌خوریم که در ادامه به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم:

۱. متن حاضر: عسیلی در توصیف حضرت عباس علیه‌السلام می‌گوید:

مَا کُلَّ عَبَّاسٍ إِذَا احْتَدَمَ الْوَغَی عَبَّاسٌ أَوْ کُلَّ الرِّجَالِ رِجَالُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۳۴)

«چون جنگ شدت یابد، هر عباسی، عباس نیست و هر مردی، مرد میدان نباشد.»

متن غایب: این بیت یاد آور بیت مشهور ابو نواس است:

عَبَّاسٌ عَبَّاسٌ إِذَا احْتَدَمَ الْوَغَی وَالْفَضْلُ فَضْلٌ وَ الرَّبِیعُ رَبِیعُ

(هاشمی، ۱۳۷۹: ۳۵۳)

«عباس، عباس است چون شعلهٔ جنگ برافروزد و برتی برتری و بهار بهار است.»

www.SID.ir

ملاحظه می‌شود شاعر به شیوهٔ «اجترار» بیت ابو نواس را بازسرایی نموده است. البته نفی جزیی یا اجترار همیشه دلالت بر عدم نوآوری ندارد، برای مثال در همین بیت این که شاعر به تناسب فضا که توصیف میدان جنگ است توانسته از تشابه اسمی میان حضرت علیه‌السلام و ممدوح ابونواس سود ببرد و از آن بیت در مقصود خود استفاده نماید و به نوعی بر تنوع و جذابیت شعرش افزوده است و کسی که از آن شاهد معروف بلاغی آگاهی داشته باشد و بیت عسیلی را هم بخواند از این تداعی معنا و تکرار گونه‌ای لذت را هم احساس می‌کند.

۲. متن حاضر: شاعر بلند مرتبگی امام علیه‌السلام و کار خطیر ایشان و نیز بی ارزشی ستمگران و جایگاه آن ها را این گونه بیان می کند:

هَدَفُ الْحُسَيْنِ وَ جَدَّهُ هُوَ وَاحِدٌ — وَ لَإِنَّ أَهْدَافَ الْكِبَارِ كِبَارُ
وَ كَذَلِكَ أَهْدَافُ الطُّغَاةِ تَوَحَّدَتْ — بَغْياً وَأَهْدَافُ الصِّغَارِ صِغَارُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۱۹۷)

«هدف حسین و جدش یکی است؛ زیرا اهداف بزرگان بزرگ است؛ هم‌چنین اهداف سرکشان در ستم‌کردن یکی است و اهداف افراد کوچک، کوچک است.»

متن غایب: شاعر در این‌جا به این مفهوم رایج اشاره می‌کند که کارهای بزرگ از بزرگان سر می‌زند و اهداف کوته بینان و ستمگران پست است. این مفهوم را در شعر «متنبی» چنین می‌یابیم:

عَلَى قَدْرِ أَهْلِ الْعَزْمِ تَأْتِي الْعَزَائِمُ — وَ تَأْتِي عَلَى قَدْرِ الْكِرَامِ الْمَكَارِمُ
وَ تَعْظُمُ فِي عَيْنِ الصَّغِيرِ صِغَارُهَا — وَ تَصْغُرُ فِي عَيْنِ الْعَظِيمِ الْعَظَائِمُ

(متنبی، ۱۴۰۳ق: ۳۸۵)

«اراده‌ها به اندازهٔ صاحبان آن‌ها هستند و کارهای خوب به میزان بزرگی کریمان سر می‌زند. کارهای خرد در چشم افراد کوچک، بزرگ می‌آید و کارهای بزرگ در چشم فرد عظیم، کوچک است.»

واژگانی که ذهن مخاطب آشنا با شعر متنبی را به سمت روابط بینامتنی می‌کشاند، به ترتیب در شعر متنبی و عسیلی به قرار زیر است:

هدف= عزم / أهداف= عزائم / الصغیر، الصغار= الصغیر صغارها / الکبار، کبار= العظیم، العظائم.

۳. متن حاضر:

عَجَباً أَيُرْفَعُ رَأْسُ بِنْتِ مُحَمَّدٍ — فَوْقَ الْقَنَا كَالدُّرَّةِ الْبَيْضَاءِ
وَرِجَالُ كُوفَةَ يَنْظُرُونَ نِسَاءَهُ — بِالْقَيْدِ فِي جَبَانَةِ الْأَحْيَاءِ

www.SID.ir

Archive of SID

«شگفتا! آیا سر فرزند دخت پیامبر ﷺ چون مرواریدی درخشان بر نیزه‌ها است؟ و مردان ترسوی کوفه بانوان خاندان رسالت را در حالت اسارت تماشا می‌کنند؟»

متن غایب: بی‌شک عسیلی در سرودن این اشعار به ابیات دعبل در رثای سید الشهدا علیه‌السلام نظر داشته است:

رَأْسُ بْـنِ بِنْـتِ مُحَمَّـدٍ وَ وَصِـيِّهِ — يَـا لَلرِّجَـالِ عَلَـى قَنَـاةٍ يُرْفَـعُ
وَ الْمُسْـلِمُونَ بِمَنْظَـرٍ وَ بِمَسْـمَعٍ — لَا جَـازِعٌ مِنْـهُ وَ لَا مُتِخَشِّـعُ

(بستانی، ۱۴۱۹ق: ۷۰)

«ای مردان! سر پسر دخت پیامبر و پسر جانشین او بر نیزه بالا رفته است. مسلمانان این صحنه را می‌بینند و [اخبارآن را] می‌شنوند؛ اما کسی فغان نمی‌کند و بیمناک نیست!»

تشابه و همسانی واژگان دو شعر در زیر می‌آید:

رأس بنت محمدٍ= رأس بن بنت محمد/ القنا= القناة/ ینظرون= بمنظر/ للرجال= رجال کوفة

۴. متن حاضر:

أَللّٰـهُ أَكْبَـرُ لَا تُسَـاوِي عِنْـدَهُ — كَأْسًـا بَكَـى فِـي جَوْفِهَـا عُنقُـودُ
فَالسَّـمْعُ عِنْـدَ يَزِيـدَ مَوْقُـوفٌ عَلَـى — نِغَـمِ الْكُـؤُوسِ بِـهِ الـدِّنَانُ تُجُـود
مَـنْ يَقْصُـدِ الْخَضْـرَاءَ لَـمْ يَسْـمَعْ بِـهِ — إِلَّا النِّبَـاحَ كَأَنَّـهُ الْمَقْصُـودُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۱۰۹)

«الله اکبر نزد یزید با یک جام شراب که درون آن خوشه‌های (انگور) می‌گریند برابر نیست! گوش یزید آکنده از صدای جام‌هایی است که از خمره‌ها پر می‌شود. هر کس قصر خضرا را قصد کند جز صدای سگان را نشود گویا مقصود او پارس سگان است.»

متن غایب: در این جا عسیلی متأثر از «بولس سلامه» در حماسهٔ «عید الغدیر» است زیرا هردو در توصیف شخصیت یزید بن معاویه می‌باشد؛ ابیات سلامه چنین است:

اَلْـفُ إِلَلّٰـهُ أَكْبَـرٍ لَا تُسَـاوِي — بَـيْنَ كَفَّـيْ يَزِيـدَ نَهْلَـةَ رَاحِ
إِنَّ سَـمْعَ الْخَلِيـعِ وَقْـفٌ عَلَـى — صَـدْحِ الْمَثَـانِي وَرَنَّـةِ الْأَقْـدَاحِ
قَاصِـدُ الْقَصْـرِ لَـيْسِ يَسْـمَعَ إِلَّا — عَرْبَـدَاتٍ مَوْصَـوْلَةٍ بِصِـيَاحِ

(سلامه، ۱۹۶۱: ۲۰۴)

«هزار الله اکبر نزد یزید با یک بار نوشیدن شراب برابر نیست. گوش آن بی‌آزرم بر آواز تار و صدای جام‌ها خو گرفته است. هر کس قصد قصر یزید را کند جز عربده و فریاد نمی‌شنود.»

www.SID.ir

از آن‌جا که سلامه پیش از عسیلی به سرودن حماسهٔ خود نمود، طبیعی است که شاعر حماسه آن را مطالعه نموده و از آن بهره‌مند شده است و در شعرش متأثر از آن باشد.

۲-۱-۳-۳. حوار

گفتیم که در این نوع، شاعر معانی یا الفاظی اندک از شاعر پیشین را می‌گیرد و در لباسی نو و همراه با ابتکار آن را بازآفرینی می‌کند؛ به عبارت دیگر در این نوع وام‌گیری، شاعر یا ادیب بیش‌تر اثر پذیر بوده تا مقلد. به نمونه‌هایی در منظومهٔ کربلا توجه نمایید:

۱- متن حاضر:

وَ السَّیْفُ لَمْ تَصْدَقْ مَضَارِبُ حَدِّهِ إِنْ لَمْ یُوَدِّعْ فِی النِّزَاعِ قِرَابَا

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۷۴)

«اگر که شمشیر در هنگام نبرد از نیام خویش جدا نشود، تیزی لبه‌هایش کارساز و صادق نیست.»

متن غایب: شاعر تحت تأثیر این بیت مشهور ابوتمام بوده است:

أَلسَّیْفُ أَصْدَقُ إِنْبَاءً مِنَ الْکُتُبِ فِی حَدِّهِ الْحَدُّ بَیْنَ الْجِدِّ وَ اللَّعِبِ

(ابوتمام، ۱۹۹۲: ۱۸)

«در میدان کارزار شمشیر راست‌گو تر از کتاب‌ها است، تیزی آن مرز میان جدی و شوخی است.»

در این‌جا عسیلی تنها از واژگان ابوتمام بهره برده؛ اما معنا و مقصود بیت او چیزی دیگر است. در بیت ابوتمام شاعر بر قدرت سیف (مجازاً جنگاوری و تدبیر جنگی ممدوح) تأکید دارد، ولی بیت عسیلی باقی ماندن شمشیر در نیام (هراس در نبرد) را نکوهش می‌کند.

۲- متن حاضر:

وَ کَأَنَّهَا بِالْأَرْضِ لَمْ تَرْضَ الْعُلَی فَسَمَتْ بِأَجْوَاءِ السَّمَاءِ عُلَاهَا

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۵۳۷)

«گویا آن سرها در زمین به بزرگی راضی نشد و بزرگی آن‌ها در کرانه‌های آسمان اوج گرفت.»

در بیت بالا شاعر در تعبیری زیبا، ادبی و با استفاده از «حسن تعلیل» بر نی رفتن سرهای اهل بیت علیهم‌السلام را نشان از غرور و کمال طلبی آن‌ها می‌داند. اگر از لایهٔ ظاهری ابیات عبور کنیم در لایهٔ معنایی، نظیر و شبیه این مفهوم را در قصیده معروف ابن انباری در رثای وزیر عزالدولة مشاهده می‌کنیم:

وَلَمَّا ضَاقَ بَطْنُ الْأَرْضِ عَنْ أَنْ یَضُمَّ عُلَاكَ مِنْ بَعْدِ الْمَمَاتِ

www.SID.ir

Archive of SID

أَصَــارُوا الْجَــوَّ قَبْــرَكَ واسْــتَنَابُوا عَــنِ الْأَكْفَــانِ ثَــوْبَ السَّــافِيَاتِ

(بستانی، ۱۴۲۳ق: ۳۳۸/۳)

«وقتی پس از مرگ دل زمین از دربرگرفتن بزرگی تو به تنگ آمد، آسمان را قبر تو ساختند و بـه جای کفن، جامه بادها را بر تو پوشاندند.»

در این جا ابن انباری به بردار شدن وزیر عضدالدولـة اشـاره مـی‌کنـد و مـی‌گویـد کـه زمـین از دربرگرفتن بزرگی تو به تنگ آمد؛ لذا آسمان تو را در بر گرفت و بادها کفن تو گشتند. عسـیلی نیـز همین مفهوم را با الفاظ و زبانی دیگر و به دور از تقلید و تکلف بیان می‌کند و از آن‌جا که در تصویر و واژگان با ابن انباری متفاوت است، تناص و بینامتنی موجود از مصادیق نفی کلی یا «حـوار» مـی‌باشـد وکشف این لایهٔ معنایی نیازمند آشنایی با متن غایب است و برای خوانده آشنا با قصیده ابن انباری لذت تداعی معنا را به همراه دارد.

۳- متن حاضر:

أَيُسَــلِّمُونَ عَلَــى النَّبِــيِّ وَ آلِــهِ وَ دَمُ النُّبُــوَةِ لِلسُّــيُوفِ خِضَــابُ؟!

«آیا بر پیامبر و خاندانش درود می‌فرستند حال آن‌که خون فرزندان پیامبر شمشیرها را رنگین کرده است.»

متن غایب: بیت یادآور این بیت شریف رضی در رثای امام حسین علیه‌السلام می‌باشد:

حَمَلُــوا رَأْســاً يُصَــلُّونَ عَلَــى جَــدِّهِ الْأَكْــرَمِ طَوْعــاً وَ إِبَــا

(امین، ۱۴۰۶ق: ۶۲۴/۱)

«سری را با خود بردند که به دلخواه یا به اکراه بر جد بزرگوارش درود می‌فرستادند.»

گرچه مضمون اصلی هر دو بیت یکی است (درود فرستادن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و کشتن فرزندش)؛ امـا عسیلی با تغییر واژگان (یُسلّمون به جای یُصلّون) و متفاوت آوردن مصراع دوم، از دایرهٔ تقلیـد خـارج گشته است.

۴- متن حاضر:

وَ رَأَيْــتَ أَنَّ الــدِّينَ لَا يَحْيَــا سِــوَى بِالْقَتْــلِ فِــي طَعْــنِ الْقَنَــا الْخَطَّــارِ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۲۱)

«و دیدی که دین جز با شهادت زیر ضربات نیزه‌ها زنده نمی‌ماند.»

متن غایب: شاعر در این بیت به بیت مشهور «محسن ابوالحبّ» نظر داشته است آن‌جا که می‌گوید:

www.SID.ir

إِنْ كَـانَ دِيـنُ مُحَمَّـدٍ لَـمْ يَسْـتَقِمْ إِلَّا بِقَتْلِـي يَـا سُـيُوفُ خُـذِينِي

(امین، ۱۴۰۸ق: ۱۹۱/۳)

«اگر دین محمد جز با قتل من استوار نمی‌ماند، پس ای شمشیرها مرا دریابید.»

در این‌جا نیز عسیلی مضمون را از ابوالحب گرفته؛ اما تغییراتی مثل: التفات ضمیر از متکلم به مخاطب، آوردن «یحیی» به جای «یستقم» و افزودن ترکیب *طعن القنا الخطار* بیت او را متفاوت نموده است.

۲-۱-٤. بینامتنی با مثل‌ها، اشعار و مفاهیم حکمی

امثال و حکم از کهن‌ترین منابع فرهنگی هر ملتی است که گنجینه‌ای از تجربه‌ها و آموزه‌های مهم و کاربردی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. این امثال معمولاً با ذوق همهٔ مردم سازگاری دارد و به همین جهت بر زبان‌ها متداول می‌شود و در طول قرن‌های متوالی میان ملت‌های مختلف سیر می‌کند و حتی اگر در کتاب‌ها جمع‌آوری نگردد در سینه‌ها محفوظ می‌ماند.

در اشعاری که شاعران معاصر، دربارهٔ واقعهٔ کربلا و امام حسین علیه‌السلام و یا در الهام از این واقعه سروده‌اند مفاهیم حکمی و تمثیلی گوناگونی دیده می‌شود (خزعلی، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۲۰؛ کرکی، ۱۹۸۹: ۱۸۳-۱۹۶). در فرازهای مختلف حماسهٔ «کربلاء» نیز شاعر از حکمت‌ها و مفاهیم پندگونه و اخلاقی بهره برده است که ریشه در امثال قرآنی، سخنان حکمی معصومین علیهم‌السلام یا مثل‌های مشهور ادبیات عربی دارد. در ادامه به نمونه‌هایی می‌پردازیم:

۱. متن حاضر: شاعر در توصیف حضرت عباس علیه‌السلام می‌گوید:

مَـا قَـالَ قَـوْلاً ثُـمَّ أَخْلَـفَ وَعْـدَهُ إِنَّ الْكَـرِيمَ لِمَـا يَقُـولُ فَعُـولُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۴۰)

«هرگز سخنی نگفت که به آن عمل نکند، به راستی که فرد بزرگوار به آن‌چه می‌گوید عمل می‌کند.»

مضمون بیت بر وفاداری و عمل به وعده تأکید دارد و یادآور این سخن مشهور امام علی علیه‌السلام است که به صورت مثل درآمده: «الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى». (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۸۲)؛ «بخشنده و بزرگوار هرگاه وعده دهد به آن عمل نماید.» البته این مضمون به گونه‌های دیگر هم نقل شده است. در رسایل قابوس بن وشمگیر آمده: «الكريمُ إذَا وَعَد لم يُخْلِفْ» (ثعالبی، بی تا: ۷۶/۴)

در این‌جا پی بردن به تناص و بینامتنی میان مصراع دوم بیت دوم با حدیث و مثل مشهور چندان دشوار نیست و سبک بیان تنها اندکی تغییر نموده است؛ بنابراین بینامتنی از نوع «امتصاص» می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

۲. متن حاضر:

وَ الْأَرْضُ إِنْ طَابَتْ يَطِيبُ نَبَاتُهَا وَهَلْ الْجَلَامِدُ تُنْبَتُ الْأَعْشَابَا؟

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۷۴)

«زمین اگر نیکو باشد، گیاه آن نیز نیکو است، آیا از سنگ سخت گیاه می‌روید؟»

متن غایب: بیت یادآور این مثل قرآنی است: «وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبُثَ لا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» (اعراف/۵۸)؛ «و زمین پاک [وآماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده برنمی‌آید» این مضمون در ابیات تمثیلی سعدی نیز آمده است:

باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس

(سعدی، ۱۳۶۳: ۴۴)

البته شاعر در این‌جا تنها مفهوم را از آیه و مثل گرفته و به زیبایی و با تصویر آفرینی نو (روییدن سبزه بر سنگ سخت) آن را با زبان خود بیان نموده است، لذا وام‌گیری او با خلاقیت و نوآوری همراه است و در دایرهٔ «حوار» جای دارد.

۳. متن حاضر:

وَالنَّذْلُ نَذْلٌ لَيْسَ يَشْغُلُ بَالَهُ إِلَّا مَنَافِعُ نِفْسِهِ وَ مُنَاهَا

وَإِذَا رَأَى فَوْقَ النِّعَالِ دَرَاهِماً لَحَسَ النِّعَالَ وَ شَمَّهَا وَ جَنَاهَا

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۵۳۶)

«فرد پست، پست است و ذهنش را جز منافع و آرزوهای خودش مشغول نمی‌دارد. این فرد اگر بر روی کفش ها درهمی چند ببیند، آن کفش‌ها را می‌لیسد و می‌بوید تا درهم‌ها را بردارد.»

در این دو بیت شاعر بیان می‌کند که فرد حقیر و پست تنها به منافع خود می اندیشد و برای جلب منفعت تن به هر خواری می‌دهد.

متن غایب: مفهوم بالا در امثال و عبارات حکمی به گونه‌های مختلف به کار رفته است. در امثال قدیم عرب داریم که هرگز از فرد پست حاجتی مخواه که او تنها به خود می‌اندیشد: «لَا تَطْلُبَنَّ إِلَى لَئِيمٍ حَاجَةً» (خوارزمی، ۱۴۲۴ق: ۶۰۱) یا: تنها فرد پست از بزرگواری و کمک به دیگران تن‌می‌زند: «لَا يَأْبَى الكَرامة إِلَّا لئيمٌ» (نویری، ۱۴۲۳ق: ۲۲۶/۱۰) یا این‌که گاه فرد پست سواره برای بزرگوار پیاده بلا را می‌طلبد:

www.SID.ir

وَ كَـمْ مِـنْ لَئِـيمٍ غَـدًا رَاكِبـاً يُحِـبُّ الْـبَلَاءَ لِمَـاشٍ كَـرِيمِ

(همان، ۱۷۸/۱)

در این نمونه نیز شاعر مفهوم رایج را در لباس نو و آوردن تصویر تازه و مثال عینی (لیسیدن و بوییدن کفش‌ها) ارایه نموده و به این ترتیب تناص و بینامتنی موجود از نوع «حوار» یا نفی کلی است.

۴. متن حاضر:

تَجْـرِي بِمَـا لَا نَرْغَـبُ الْأَقْـدَارُ وَالْمَـرْءُ لَـيْسَ لَـهُ بِـذَاكَ قَـرَارُ

تَجْـرِي بِنَـا سُـفُنُ الْحَيَـاةِ كَأَنَّنَـا فِيهَـا دُمَـىً وَ بِغَيْـرِ مَـا نَخْتَـارُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۱۹۷ و ۱۹۸)

«سرنوشت‌ها در مسیری حرکت می‌کند که ما نمی‌خواهیم و آدمی را در برابر ایـن تقـدیر اراده‌ای نیست. کشتی‌های زندگانی ما را با خود می‌برد گویا ما در آن‌ها عروسکانی بی‌اختیار هستیم.»

متن غایب: این دو بیت که از ضعف تدبیر انسان در برخی اوقـات و نرسـیدن بـه آرزوهـا سـخن می‌گوید یاد آور بیت معروف متنبی است:

مَـا كُـلُّ مَـا يَتَمَنَّـى الْمَـرْءُ يُدْرِكُـهُ تَجْرِي الرِّيَاحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّـفُنُ

«آدمی به هر آن‌چه آرزو کند نمی‌رسد، بادها در مسیری که کشتی‌ها نمی‌خواهند می‌وزند.»

آنچه ذهن مخاطب را از ابیات عسیلی به بیت متنبی رهنمون می‌سازد، استفاده از واژگـان و تصـویر مشابه است. البته تفاوت کارکرد واژگان می‌تواند بینامتنی را در دایرهٔ حوار جای دهـد؛ زیـرا سـفن در ابیات عسیلی حکم قضا و بر هم زنندهٔ تدابیر را دارد؛ اما در بیت متنبی ریاح این نقـش را دارد و سـفن پذیرندهٔ تقدیر است.

۵. متن حاضر: شاعر در بیان قیام «مسلم» و بی وفایی کوفیان و یارانش نسبت به وی، می‌گوید:

يَـا لَلْخِيَانَـةِ مَـا أَشَـدَّ عَـذَابَهَا فِي النَّفْسِ إِنْ حَصَلَتْ مِنَ الْأَحْبَابِ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۱۷۷)

«چقدر رنج خیانت سخت است اگر از جانب دوستان باشد.»

عسیلی در جای دیگر همین مفهوم را این گونه بیان می‌کند:

سَـمُّ الْعَقَـارِبِ هَـيِّنٌ وَ عِلَاجُـهُ سَـهْلٌ وَ فِـي التِّرْيَـاقِ خَيْـرُ نَجَـاةِ

لَكِنَّمَـا خَبْـثُ الْأَفَـارِبِ قَاتِـلٌ أَعْيَـى الـدَّوَاءُ وَ زَادَ فِـي الْعِـلَّاتِ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۱۸۹)

www.SID.ir

Archive of SID

«نیش عقرب‌ها قابل تحمل و درمان آن آسان است و پادزهر بهترین راه نجات از آن؛ اما خباثت نزدیکان زهری است کشنده و درمان ناپذیر که بر دردها می‌افزاید.»

متن غایب: نظیر این مفهوم را در امثال و اشعار عربی فراوان داریم. از کهن‌ترین نمونه‌ها شعر «طرفة»، از شاعران جاهلی است که به صورت مثل درآمده:

وَ ظُلْمُ ذَوِی الْقُرْبَی أَشَدُّ مَضَاضَةً عَلَی الْمَرْءِ مِنْ وَقْعِ الْحُسَامِ الْمُهَنَّدِ

(زوزنی، ۲۰۰۵: ۹۳)

«و ستم نزدیکان بر آدمی از ضربهٔ شمشیر برندهٔ هندی، جانکاه‌تر است.»

ابوبکر بن محمد عبدالقادر رازی (۶۶۶ ق) در کتاب امثال و حکم خود این بیت را در قسمت مثل‌های اخلاقی آورده است. (رازی، ۱۳۷۵: ۱۳۲)

در این نمونه اثرپذیری عسیلی تنها در مضمون می‌باشد؛ اما در واژگان و نیز تصاویر متفاوت عمل نموده است. در نمونهٔ دوم استفاده از آرایهٔ مراعات نظیر (میان عقارب، سمّ، تریاق، نجاة، قاتل، دواء و علات) و هم‌چنین جناس (میان اقارب و عقارب) بر زیبایی شعر او افزوده است؛ بنابراین بینامتنی موجود از نوع «حوار» به شمار می‌رود.

۶. متن حاضر:

مَا کُلَّ مَنْ حَمَلَ الْمُهَنَّدَ کَفُّهُ بَطَلٌ بِهِ تَتَفَاخَرُ الْأَبْطَالُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۳۴)

«نه هر که شمشیر برندهٔ هندی به دست گرفت قهرمان افتخارآفرین است.»

متن غایب: نظیر این مفهوم در ابیات مثل‌گونهٔ متنبی آمده است:

إِنَّ السِّلَاحَ جَمِیعُ النَّاسِ یَحْمِلُهُ وَ لَیْسُ کُلَّ ذَوَاتِ الْمُخَلَّبِ السَّبُعُ

(رازی، ۱۳۷۵: ۶۵)

«همهٔ مردم می‌توانند سلاح بردارند، و هر دارای چنگالی درنده نیست.»

شبیه همین مضمون و با همین اسلوب را در ابیات فارسی حافظ شیرازی می‌یابیم:

نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند نه هرکه آینه سازد سکندری داند

(حافظ، ۱۳۷۹: ۱۳۶)

از آن‌جا که تصویر متنبی و عسیلی در مصراع‌های اول یکسان است (حمل سلاح توسط هر کسی) و عسیلی تنها در مصراع دوم سبک بیان خود را تغییر داده است، بینامتنی نمی‌تواند از محدودهٔ «امتصاص» خارج گردد.

www.SID.ir

۷. متن حاضر: شاعر در بیان شهادت و شکست اصحاب امام علیه‌السلام پس از رشادت‌ها و فداکاری بی‌نظیر می‌گوید:

وَ السَّیْفُ مَهْمَا طَابَ سَوْفَ یُصِیبُهُ مِنْ ضَرْبِ أَعْنَاقِ الرِّجَالِ کِلَالُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۳۳)

«شمشیر هرچقدر هم که نکو باشد از زدن گردن افراد کند می‌شود.»

شاعر می‌گوید شمشیر هرچقدر هم خوب باشد سرانجام در اثر ضربات زیاد کندی می‌پذیرد و این مفهوم، قسمت دوم مثل مشهور «کُلُّ صَارِمٍ یَنْبُو وَ کُلُّ جَوَادٍ یَکْبُو»، «هر شمشیری کند می‌شود و هر اسبی می‌لغزد.» (نویری، ۱۴۲۳ق: ۱۷۶/۸) را به ذهن می‌آورد. البته این مثل به گونهٔ دیگر نیز نقل شده: «لِکُلِّ جَوَادٍ کَبْوَةٌ وَ لِکُلِّ صَارِمٍ نَبْوَةٌ وَ لِکُلِّ عَالِمٍ هَفْوَةٌ» (هر اسب نژاده‌ای لغزشی دارد و هر شمشیری کندی پذیرد و هر عالمی را لغزشی باشد.» (هاشمی، ۱۴۲۳ق: ۲۱۲)

۲-۱-۵. تلمیح به متون تاریخی و روایی

تلمیح آن است که اشاراتی ضمنی به گذشتهٔ دور، داستانی معروف، شعری مشهور یا مثلی رایج بکنند. (هاشمی، ۱۳۷۹: ۳۷۰) در حقیقت تلمیح گونه‌ای از بینامتنی است که متن غایب به صورت مستقیم حضور ندارد، بلکه به آن اشاره می‌شود و همین امر برای خواننده آگاه متن غایب را تداعی می‌کند و به میزان وسعت اطلاعات خود از متن بهره و لذتی بیش‌تر می‌برد.

به نمونه‌هایی از وام‌گیری تلمیحی در منظومهٔ کربلا اشاره می‌کنیم:

۲-۱-۵-۱. نمونهٔ اول

فَهُوَ الَّذِي فِي دَعْوَةِ الْهَادِي لَهُ بِالْفَضْلِ مَا دَانَاهُ إِلَّا یُوشَعُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۴۶۷)

«تنها حضرت یوشع علیه‌السلام در فضیلتی که امام علی علیه‌السلام به برکت دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دست آورد به ایشان نزدیک است.»

در این بیت که در ستایش امام علی علیه‌السلام است، هم به ماجرای برگشتن خورشید برای حضرت یوشع علیه‌السلام اشاره شده و هم حدیث «ردّ الشمس»[1] را که مرتبط با امیرالمؤمنین علیه‌السلام است در ذهن مخاطب تداعی می‌کند.

۲-۱-۵-۲. نمونهٔ دوم

شاعر خبر آوردن ابودرداء و ابوهریره را برای عبد الله بن سلام چنین ترسیم می‌کند:

www.SID.ir

Archive of SID

حَمْـــلًا إِلَيْـــهِ بِشَـــارَةً مَشْـــؤُومَةً كَصَـــحِيفَةِ الْمُـــتَلَمِّسِ الْحَيْـــرَانِ

(همان، ۸۳)

«برای او بشارت شومی را آوردند که چون نامهٔ متلمس سرگردان بود.»

عسیلی در این بیت مژدهٔ این دو نفر برای عبدالله را به مژده‌ای که در نامهٔ متلمس بود تشـبیه نمـوده است و ذهن خواننده را به ماجرای متلمس و نامهٔ مبهم مشکوک[۲] او سوق می‌دهد.

۲-۱-۵-۳. نمونهٔ سوم

فُرِضَـتْ مَـوَدَّتُهُمْ عَلَـى كُـلِّ الْـوَرَى وَ لَهَـــا إِلَـــهُ الْعَـــالَمِينَ أَشَـــارَا

«دوستی ایشان بر تمام مردمان واجب آمده و خداوند جهانیان به آن اشاره کرده است.»

در این جا شاعر به صورت ضمنی به آیهٔ مودت و این که مقصود از آن اهل بیت علیهم‌السلام هستند، اشاره نموده است. البته این نوع تلمیح به قرآن با تناص و وام‌گیری از قرآن که در بخش او مقاله آمد متفاوت است. شاعر در این جا متن قرآن را نیاورده و فقط اشاره‌ای نموده است تا خوانندهٔ آگاه خود متوجه متن غایب گردد و متن و جزییات آن در ذهنش تداعی گردد. بحث را با نمونه‌ای دیگـر از ایـن گونـه بـه پایان می‌بریم:

۲-۱-۵-٤. نمونهٔ چهارم

بَـرَزَتْ فَضَـائِلُهُمْ بِسُـورَةِ هَـلْ أَتَـى كَالشَّـمْسِ فِـي فَلَـكِ السَّـمَاءِ تَـدُورُ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۳۶)

«فضایل ایشان در سورهٔ «هل أتی» ظاهر شد، چون خورشید که در فلک آسمان می‌گردد.»

در این جا شاعر به نزول آیاتی از «سورهٔ دهر» در شأن امام حسین علیه‌السلام و دیگر اهل بیت علیهم‌السلام اشاره دارد.

در نمونه‌های بالا مورد اول و دوم را می توان از مصادیق حوار یا نفی کلی دانست؛ زیرا نسـبت بـه سایر نمونه‌ها از تکرار به دور است و ذهن برای ایجاد ارتباط میان تلمیح متن حاضر و متن غایـب بایـد به تکاپو و تحقیقی بیش‌تر بپردازد؛ اما نمونه‌های بعدی را می‌توان از نوع امتصاص به شـمار آورد چـون اشاره‌ها از وضوحی افزون‌تر برخوردار است.

www.SID.ir

of SID

نتیجه‌گیری

در بررسی و تحلیل گونه‌های مختلف بینامتنی حماسهٔ «کربلاء» نتایج زیر شایان توجه است:

۱. اثرپذیری عسیلی از قرآن به سه صورت «اجترار» (نفی جزیی)، «امتصاص» (نفی متوازی) و «حوار» (نفی کلی) جلوه‌گر شده است و برای هرکدام از این نمونه‌ها مواردی متعدد را در حماسهٔ کربلا می‌توان ارایه داد؛ این در حالی است که اثرپذیری او از نهج‌البلاغه نسبت به قرآن بسیار کم‌تر است و در این قسمت شاعر جز در موارد محدود چندان ابتکاری ندارد؛

۲. بیش‌ترین و هنری‌ترین وام‌گیری‌های عسیلی از شعر شاعران کلاسیک و معاصر عربی است و او در مواردی متعدد از این بینامتنی‌ها توانسته است از دایرهٔ تقلید خارج شود. در این قسمت، اشعار او با شاعران بزرگی، مثل ابوتمام، شریف رضی، ابونواس، متنبی و نیز شاعران معاصری چون محسن ابوالحب و بولس سلامه بینامتنی دارد و گنجینهٔ شعری او در غنی ساختن منظومهٔ عاشورایی‌اش نقشی به سزا داشته است؛

۳. عسیلی در منظومهٔ خود از امثال و مفاهیم حکمی نیز بهره فراوان برده است. این امثال شامل مثل‌های قرآنی، حکمت‌های معصومین علیهم‌السلام، شعرهای حکمی شاعران عرب خاصه متنبی، و مثل‌های عام ادبیات عربی می‌باشند؛

۴. بینامتنی تلمیحی نیز در ژرفا بخشیدن به مضامین این منظومه نقشی بارز دارد. عسیلی توانسته است با اشاره به شخصیت‌های اساطیری (مثل متلمس)، اعلام تاریخی- قرآنی (مانند یوشع)، حوادث تاریخی، آیات قرآنی و احادیث نبوی ذهن خواننده را از منظومهٔ خویش عبور دهد و به گذشته‌های دور ببرد و گنجینه‌ای عظیم از معلومات را برای خواننده به ارمغان آورد.

www.SID.ir

Archive of SID

پی‌نوشت‌ها

۱. دربارهٔ امام علی علیه‌السلام از اسماء بنت عمیس نقل شده که پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز ظهر را در صهباء از اراضی خیبر گذارد، آن‌گاه علی را به سوی کاری فرستاد. وقتی حضرت از آن کار برگشت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز عصر را گزارده بود وسر خود را در دامن علی نهاد و تا غروب خورشید آن را تکان نداد. از آن پس پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: «أَللَّهُمَّ إِنَّ عَبْدَكَ احْتَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى نَبِيِّهِ فَرُدَّ عَلَيْهِ الشَّمْسَ» اسماء گوید ناگهان دیدم خورشید طلوع کرد تا جایی که آفتاب برفراز کوه ها برآمد، علی علیه‌السلام برخاست و وضو ساخت و نماز عصر گزارد، سپس خورشید غروب کرد. (امینی، ۱۳۸۳: ۱۴۱/۳)

۲. متلمس (۵۸۰ م.) از شعرای جاهلی بود که به عمروبن هند پادشاه حیره پیوست. روزی پادشاه بروی غضب کرد واورا با «طرفه» نزد عاملش در حیره فرستاد و به دست هر یک نامه ای داد که در آن‌ها دستور قتل هر یک بود. متلمس در نامه شک کرد وآن را باز کرد و از مرگ نجات یافت، اما طرفه این کار را نکرد و کشته شد. (فاخوری، ۱۳۸۵: ۲۷۳/۱)

www.SID.ir

of SID

منابع و مآخذ

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، ***غرر الحکم و درر الکلم***، مصحح سید مهدی رجایی، قم: دار الکتاب الإسلامی.

۲. ابن بابویه، ابوجعفر محمدبن علی‌بن حسین (۱۴۱۳ق)، ***من لا یحضره الفقیه***، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳. ابوتمام، حبیب بن اوس طایی (۱۹۹۲)، ***شرح دیوان ابی تمام***، ضبطه وشرحه شاهین عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۴. احمدی، بابک (۱۳۷۸)، ***ساختار و تأویل متن***، تهران: نشر مرکز.

۵. امین، سید حسن، ۱۴۰۸ ق، ***مستدرکات أعیان الشیعة***، بیروت: دار التعارف.

۶. امین، سید محسن (۱۴۰۶ق)، ***أعیان الشیعة***، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۷. امینی، عبد الحسین (۱۳۸۳)، ***الغدیر فی الکتاب والأدب والسنة***، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

۸. امینی، محمد هادی (۱۳۹۲)، ***تجلی نهج البلاغه بر ادبیات عرب***، ترجمهٔ سید مهدی نوری کیذقانی و سید مرتضی حسینی، نهران: بنیاد نهج البلاغه.

۹. بستانی، فؤاد افرام (۱۴۲۳ق)، ***المجانی الحدیثة***، الطبعة الثانیة، قم: ذوی القربی.

۱۰. ثعالبی (بی تا)، ***یتیمة الدهر***، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۱. حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۷۹)، ***دیوان حافظ***، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: هنرور.

۱۲. خزعلی، انسیه (۱۳۸۳)، ***امام حسین علیه‌السلام در شعر معاصر عرب***، تهران: امیرکبیر.

۱۳. خوارزمی، ابو بکر (۱۴۲۴ق)، ***الأمثال المولدة***، ابوظبی: المجمع الثقافی.

۱۴. رازی، عبدالقاهر محمد بن ابوبکر (۱۳۷۵)، ***امثال و حکم***، ترجمه و تصحیح دکتر فیروز حریرچی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. زوزنی، عبداللّه بن حسن (۲۰۰۵)، ***شرح المعلّقات السبع***، تحقیق عبدالقادر الفاضلی، بیروت: المکتبه العصریة.

۱۶. سعدی، ابومحمد مصلح بن عبداللّه بن مشرف (۱۳۶۳)، ***گلستان***، مقدمه و شرح محمد علی فروغی، تهران: جاویدان.

۱۷. سلامه، بولس (۱۹۶۱)، ***عیدالغدیر***، الطبعة الثانیة، بیروت: دارالاندلس.

۱۸. شیروانی، علی (۱۳۸۳)، ***ترجمهٔ نهج البلاغه***، قم: دارالعلم.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۹. ضاوی، أحمد عرفات (۱۳۸۴)، ***کارکرد سنت در شعر معاصر عرب***، ترجمهٔ سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

۲۰. عزام، محمد (۲۰۰۱)، ***النص الغایب***، دمشق: منشورات إتحاد الکتاب العرب.

۲۱. عسیلی، سعید (۱۹۸۲)، ***مولدالنور***، الطبعة الاولی، بیروت: دار الزهراء.

۲۲. ــــــــــــ، (۱۹۸۶)، ***ملحمة کربلاء***، الطبعة الاولی، بیروت: دار الزهراء.

۲۳. ــــــــــــ، (۱۹۹۳)، ***الفروسیة العربیة فی الجاهلیة و الاسلام***، الطبعة الاولی، بیروت: دار الزهراء.

۲۴. فاخوری، حنا (۱۳۸۵)، ***الجامع فی تاریخ الادب العربی***، الطبعة الثالثة، قم: ذوی القربی.

۲۵. فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۶)، ***ترجمهٔ قرآن کریم***، چاپ سوم، تهران: دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۲۶. کرکی، خالد (۱۹۸۹)، ***الرموز التراثیة العربیة فی الشعر العربی الحدیث***، الطبعة الاولی، بیروت: دار الجیل، عمان: مکتبه الرائد العلمیة.

۲۷. متنبی، ابوطیب (۱۴۰۳ق)، ***دیوان المتنبی***، بیروت: دار بیروت للطباعة و النشر.

۲۸. معروف، یحیی (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی وام‌گیری قرآنی در شعر احمد مطر»، ***مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد***، شمارهٔ ۴، بهار و تابستان.

۲۹. موسی، خلیل (۲۰۰۰)، ***قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر***، دمشق: منشورات إتحاد الکتاب العرب.

۳۰. نویری، شهاب الدین (۱۴۲۳ق)، ***نهایة الأرب فی فنون الأدب***، قاهره: دار الکتب و الوثائق القومیة.

۳۱. هاشمی، أحمد (۱۳۷۹)، ***جواهر البلاغة***، إشراف صدقی جمیل، تهران: الهام.

۳۲. هاشمی، زید بن رفاعی (۱۴۲۳ق)، ***الأمثال***، دمشق: دار سعد الدین.

۳۳. الموقع الرسمی لبلدیة رشاف، ذیل عنوان الحاج سعید العسیلی .http://www.rshaf.net

www.SID.ir